

Response to Faisal Noor's Objections to the "Verse of Purification" in the Book "Al-Imāmah wa al-Naṣṣ"

Mohammad Farzi Pouriān  / Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Rāzi University, Kermanshah
Received: 2024/06/08 - Accepted: 2024/11/16 farzipoor62@gmail.com

Abstract

One of the Shiite arguments for the Imamate of Amir al-Mu'minin Ali ibn Abi Talib and his immediate succession to the Prophet is the reference to verse 33 of Surah Al-Ahzab (the verse of purification). Analyzing this verse, Shiite scholars believe that the Prophet's family, including Amir al-Mu'minin, Hazrat Fatima, Imam Hassan, and Imam Hussein, are all infallible, and logically an Imam must be infallible; therefore, Amir al-Mu'minin is the successor to the Prophet. Faisal Noor is a contemporary scholar who has questioned this argument in his book "Al-Imāmah wa al-Naṣṣ". He critiques the meaning of Ahlul Bayt, infallibility, creative will, the inclusion of other Imams in the verse, the Imamate of Hazrat Zahra, etc. Using Shia and Sunni sources, the descriptive-analytical method and the critical approach, this library research attempts to refute Faisal Noor's objections to the Shī'a interpretation of the Verse of Purification and reaffirm the doctrinal coherence of Shī'a arguments.

Keywords: Verse of Purification, infallibility, Ahl al-Bayt, Prophet's wives, ḥadīth of the cloak.



نوع مقاله: پژوهشی

پاسخ به اشکالات فیصل نور ذیل «آیه تطهیر» در کتاب «الامامة و النص»

farzipoor62@gmail.com

محمد فرضی پوریان / ID / استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه رازی، کرمانشاه

دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۱۹ - پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۲۶

چکیده

یکی از دلایل شیعه بر امامت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام و جانشینی بلافصل ایشان از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله استناد به آیه ۳۳ سوره احزاب (آیه تطهیر) است. علمای شیعه در تحلیل این آیه معتقدند اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله که عبارت‌اند از امیرالمؤمنین، حضرت فاطمه، امام حسن و امام حسین علیهم السلام، همگی معصوم‌اند و عقل می‌گوید که امام امت باید معصوم باشد؛ پس جانشین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، امیرالمؤمنین علیه السلام است. یکی از علمای معاصر که به این استدلال اشکال کرده و به‌زعم خود آن را مخدوش نموده، آقای فیصل نور در کتاب «الامامة و النص» است. او در معنای اهل بیت، عصمت، اراده تکوینی، دخول سایر ائمه در آیه، امامت حضرت زهرا علیها السلام و... اشکالاتی را وارد می‌کند. این نوشتار با استفاده از منابع شیعه و اهل سنت و با روشی توصیفی - تحلیلی و با رویکردی انتقادی و به‌شیوه کتابخانه‌ای، می‌کوشد اشکالات مطرح‌شده را یک‌به‌یک پاسخ دهد و استدلال شیعه را بدون خدشه و محکم معرفی کند.

کلیدواژه‌ها: آیه تطهیر، عصمت، اهل بیت علیهم السلام، همسران پیامبر صلی الله علیه و آله، اهل کساء، حدیث کساء، آل عبا.

مقدمه

یکی از مهم‌ترین مباحث مورد اختلاف بین علمای اسلام در طول تاریخ، مسئله امامت و جانشینی پیامبر اکرم علیه السلام است. شیعه معتقد است که امام امت و جانشین بلافصل پیامبر اکرم علیه السلام، امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام بوده و بر این مدعا دلایل بسیاری از عقل، کتاب و سنت نبوی ارائه کرده است. یکی از دلایل قرآنی مورد استناد علمای شیعه، آیه ۳۳ سورة احزاب است که به «آیه تطهیر» معروف است و شیعه بالاتفاق معتقد است که این آیه در شأن پنج تن آل عبا نازل شده و دال بر عصمت و بزرگی مقام و منزلت آنان و احرازکننده مقام امامت ایشان است.

علمای اهل سنت نیز همیشه تلاش کرده‌اند که استدلال شیعه را مخدوش کرده، از اعتقاد خود دفاع کنند. یکی از افرادی که در زمان معاصر برضد شیعه کتاب نوشته و در بخشی از آن به نقد و بررسی آیه تطهیر نیز پرداخته و آن را مخدوش دانسته است، شخصی است به نام فیصل نور، که ظاهراً از علمای وهابی است و کتابی به نام «الامامة و النص» تألیف نموده و در آن با استفاده از روایات خود شیعه به تضعیف مذهب شیعه پرداخته است. این کتاب در زمان کنونی مهم‌ترین کتاب وهابیت برضد شیعه است که نیازمند پاسخ است.

فیصل نور در این کتاب در فصلی جداگانه به نقد و بررسی آیه تطهیر پرداخته و پس از مطرح کردن چندین اشکال، نتیجه می‌گیرد که این آیه به هیچ وجه دال بر عصمت ائمه اطهار علیهم السلام و احرازکننده مقام امامت آنان نیست. البته بیشتر اشکالات، در کتب قدیمی اهل سنت، به خصوص کتب تفسیری آنان، مانند تفسیر کبیر از فخر رازی و تفسیر روح المعانی از آلوسی وجود دارد و فیصل نور نیز با بیان دیگری آنها را مطرح کرده است. بنابراین در این مقاله به بررسی اشکالات فیصل نور ذیل آیه تطهیر پرداخته خواهد شد و اشکالات وی یک‌به‌یک پاسخ داده می‌شود. غالب این اشکالات و پاسخ به آنها به صورت پراکنده در کتب کلامی و برخی مقالات بحث شده‌اند و یک مخاطب نمی‌تواند همه آنها را یکجا ببیند و امکان تزلزل در برخی افراد وجود دارد. لذا هدف از این نوشتار، اولاً پاسخ به تمام اشکالات است؛ ثانیاً جمع همه اشکالات و پاسخ آنها در یک جا.

پیشینه پژوهش

اثبات افضلیت و سپس امامت اهل بیت علیهم السلام بنا بر آیه تطهیر، ابتدا توسط خود ائمه اطهار علیهم السلام انجام گرفت؛ برای مثال، امیرالمؤمنین علیه السلام در حدیثی در مناظره با ابوبکر فرمود: «تو را به خدا سوگند می‌دهم؛ آیا در روز کساء، من و خانواده و فرزندانم مشمول دعای پیامبر خدا بودیم یا تو؟ آنجا که فرمود: خداوند، اینان خاندان من هستند؛ به سوی تو می‌آیند، نه به سوی آتش». ابوبکر در پاسخ گفت: «تو و خانواده و فرزندان» (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۵۵۰). همچنین در جریان فدک (ابن بابویه، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۹۱) نیز حضرت به آیه تطهیر استناد کرد. در حدیثی نقل شده است که امام سجاد علیه السلام نیز بدان استناد کرده است (قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۱۹۳).

علمای شیعه نیز با سرمشق قرار دادن سیره اهل بیت عصمت و طهارت ﷺ همیشه به این آیه استناد کرده و به تبیین و توضیح آن پرداخته‌اند. از زمان شیخ مفید تا زمان کنونی، غالب متکلمان شیعه در کتب کلامی خود که درباره امامت نگاشته‌اند، بدین آیه استناد کرده و با استفاده از آن، امامت امیرالمؤمنین ﷺ و اولاد طاهرينش ﷺ را اثبات کرده‌اند. شیخ مفید در مناظره با یکی از علمای اهل سنت (مفید، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۵۳)، سید مرتضی در تفسیر کلامی (علم‌الهدی، ۱۴۳۱ق، ج ۳، ص ۲۱۹)، علامه حلی در نهج الحق و کشف الصدق (حلی، ۱۹۸۲م، ص ۲۲۸)، ابن صباغ در کتاب الفصول المهمة فی معرفة الأئمة (ابن صباغ مالکی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۱۳۶)، قاضی نورالله شوشتری در کتاب احقاق الحق و ازهاق الباطل (شوشتری، ۱۴۰۹ق، ج ۳۳، ص ۳)، سیدهاشم بحرانی در کتاب غایة المرام (بحرانی، ۱۴۲۲ق، ج ۳، ص ۱۷۳) و... بدان استناد کرده‌اند.

حتی برخی از نویسندگان معاصر درباره آیه تطهیر کتاب مستقل نوشته و به تبیین زوایای مختلف آن پرداخته‌اند؛ مانند کتاب آیه التطهیر از آیت‌الله فاضل لنکرانی (۱۴۲۴ق) و کتاب من هم اهل البيت عليهم السلام فی آیه التطهیر از کمال وان عبدالأمیر (۱۴۲۸ق) و... در این کتب و مقالاتی که ذیل آیه نوشته شده‌اند، غالب شبهات و اشکالات اهل سنت درباره استدلال شیعه به آیه تطهیر، پاسخ داده شده است؛ اما نگارنده اثری را که در خصوص شبهات کتاب الامامة و النص سخن گفته و عبارت او را نقد کرده باشد، نیافته است.

بنابراین این نوشتار در خصوص کتاب الامامة و النص و اشکالات نویسنده این کتاب بر آیه تطهیر سخن خواهد گفت و همه اشکالات را یکجا پاسخ خواهد داد. از این رو ابتدا نحوه استدلال شیعه به آیه بیان می‌گردد؛ سپس اشکالات فیصل نور پاسخ داده می‌شود.

۱. استدلال شیعه به آیه تطهیر

شیعه با چند مقدمه و یک نتیجه معتقد است که آیه ۳۳ سوره احزاب دال بر افضلیت اهل بیت ﷺ و بیان‌کننده مقام امامت و جایگاه رفیع آنان در بین امت است که به شکل زیر بیان می‌شود:

۱-۱. مقدمه اول: امام امت باید معصوم باشد

شیعه بالاتفاق معتقد است که امام و جانشین رسول خدا ﷺ در میان امت باید مانند خود پیامبر، معصوم باشد و هرگز گناه و خطایی از او صادر نشود؛ چراکه او جانشین پیامبر در میان امت است و اگر خطایی از او رخ دهد، امت را به بیراهه می‌کشاند (مفید، ۱۳۷۱، ص ۱۲۸؛ طوسی، ۱۴۱۶ق، ص ۱۲۱). علمای امامیه دلایل زیادی از عقل و نقل بر این مدعا ارائه کرده‌اند که در کتب کلامی می‌توانید مطالعه کنید (ر.ک: ربانی گلپایگانی، ۱۴۰۰).

۱-۲. مقدمه دوم: آیه تطهیر دال بر عصمت اهل بیت ﷺ است

اثبات این مطلب در گرو دو چیز است: ۱. مقصود از «رجس» در آیه، هرگونه انحراف اعتقادی یا رفتاری است؛ ۲. اراده الهی در زدودن رجس از اهل بیت ﷺ، اراده تکوینی است.

۱-۲-۱. مفهوم رجس

ابن فارس معتقد است که «رجس» در اصل بر اختلاط و آمیزش دلالت می‌کند و شیء پلید نیز از همین ریشه گرفته شده؛ زیرا ناخالص است (ابن فارس، ۱۴۱۸ق، ص ۴۴۳). سایر لغت‌شناسان نیز رجس را پلیدی یا شیء پلید معنا کرده‌اند (فیومی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۲۱۹؛ ابن منظور، ۲۰۰۰م، ج ۶ ص ۱۰۶؛ الشرتونی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۳۹۱؛ ابراهیم مصطفی و دیگران، بی تا، ج ۱، ص ۳۳۰). راغب اصفهانی پس از آنکه رجس را به شیء ناپاک معنا می‌کند، می‌گوید: «رجس چهار گونه است: ۱. از نظر طبع؛ ۲. از نظر عقل؛ ۳. از نظر شرع؛ ۴. از هر سه جهت، هم‌زمان»؛ سپس معتقد است که خوردن مردار از سه جهت رجس بوده و مصداق نوع چهارم است؛ شراب و قمار نیز مصداق نوع سوم، و کفر و شرک مصداق نوع دوم هستند» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۴۲). این واژه نه بار در قرآن کریم به کار رفته است و بر اموری مانند بت (حج: ۳۰)، شراب و قمار (مائده: ۹۰)، مردار، خون، گوشت خوک (انعام: ۱۴۵)، عذاب (انعام: ۱۴۰)، نفاق و کفر (توبه: ۹۵) اطلاق شده است که وجه مشترک آنها ناپاکی و پلیدی است. علامه طباطبائی معتقد است:

کلمه «رجس» صفتی است از «رجاسه» و آن، حالتی از شیء است که انسان از آن تنفر دارد و دوست دارد از آن دوری کند؛ و گاهی به صورت تنفر ظاهری است، مانند گوشت خوک؛ و گاهی به صورت باطنی است، مانند شرک و کفر. پس رجس در آیه یعنی ادراک نفسانی یا اثری بر روی نفس که از تعلق انسان به اعتقادی باطل یا از انجام عملی زشت در نفس پدید می‌آید؛ و «اذهاب رجس» یعنی از بین بردن تمام این موارد، به حکم اینکه «ل» در آیه لام جنس است و این معنا همان عصمت الهی است که انسان را از اعتقاد باطل و عمل زشت بازمی‌دارد (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۶، ص ۳۱۲).

آیت‌الله مکارم شیرازی نیز در جمع‌بندی بحث می‌نویسد:

حاصل اقوال لغت‌شناسان و مفسران در معنای رجس آن است که واژه «رجس» به معنی شیء ناپاک است؛ خواه ناپاک از نظر طبع آدمی باشد یا به حکم عقل یا شرع و یا همه اینها؛ و اینکه در بعضی از کلمات رجس به معنی گناه یا شرک یا بخل و حسد و یا اعتقاد باطل و مانند آن تفسیر شده، در حقیقت بیان مصداق‌هایی از آن است، و همه انواع پلیدی‌ها - به حکم اینکه «الف و لام» در اینجا الف و لام جنس است - را شامل می‌شود. «تطهیر» نیز به معنی پاک ساختن و در حقیقت تأکیدی است بر مسئله «اذهاب رجس» و نفی پلیدی‌ها؛ و ذکر آن به صورت «مفعول مطلق» نیز تأکید دیگری بر این معنی محسوب می‌شود. بر این اساس می‌توان گفت: «رجس» هرگونه انحراف در عقیده و رفتار را شامل می‌شود؛ خواه کوچک باشد یا بزرگ؛ و این همان معنای عصمتی است که در کتب کلامی بحث می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۷، ص ۲۹۳).

۱-۲-۲. اراده الهی در آیه، اراده تکوینی است، نه تشریعی

با دو قرینه موجود در آیه می‌توان نتیجه گرفت که اراده موجود در آیه، اراده تکوینی است، نه تشریعی: یکی اینکه در آیه، کلمه «إنما» به کار برده شده و «إنما» دال بر اختصاص و حصر است (تفتازانی، ۱۳۷۴، ص ۱۶۷-۱۶۸)؛ از این رو مفاد آیه مبنی بر «زوده شدن از رجس و پلیدی» اختصاص به اهل بیت علیهم‌السلام دارد؛ و این مطلب با اراده تشریعی سازگاری ندارد؛ چراکه اراده تشریعی همه مؤمنین و همه انسان‌های عالم را شامل می‌شود و اختصاصی به شخص خاصی ندارد.

دوم اینکه ظاهر آیه و احادیث شأن نزول آن، بیانگر مدح و تکریم ویژه اهل بیت علیهم السلام است؛ درحالی که اراده تشریعی هیچ گونه مدح و تکریم ویژه‌ای به دنبال ندارد؛ زیرا عمومیت دارد و همه انسان‌ها را دربرمی‌گیرد (علم‌الهدی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۱۳۴؛ طوسی، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۳۴۰؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۵۵۸). بنابراین معنای آیه چنین است: اراده مستمر و همیشگی الهی به این تعلق گرفته است که اهل بیت علیهم السلام را مختص به این موهبت کند و آنان را از اعتقاد باطل و اعمال زشت و ناپسند و آثار آن اعمال، پاک سازد و این همان عصمت است (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۶، ص ۳۱۳).

درنتیجه این آیه به روشنی بیان می‌کند که اهل بیت مورد خطاب در آیه، از هرگونه پلیدی در اعتقاد و رفتار و نیات مبرا هستند و خداوند به اراده تکوینی خواسته است که آنان را پاک کند. این اراده تخلف‌ناپذیر است و بدین معناست که آنان معصوم‌اند و از هرگونه گناه و خطایی مبرا هستند (خطا نیز پلیدی است؛ اما پلیدی‌ای که ناخواسته و از روی سهو در انسان ایجاد می‌شود).

۱-۳. مقدمه سوم: اهل بیت منحصر در پنج تن آل‌عباست

از روایات متعددی که با بیش از هفتاد طریق مختلف نقل شده‌اند (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۶، ص ۳۱۱)، می‌توان نتیجه گرفت که منظور از اهل بیت در آیه، خصوص پنج تن آل‌عبا، یعنی پیامبر، امیرالمؤمنین، فاطمه زهرا، امام حسن و امام حسین - صلوات‌الله‌علیهم‌اجمعین - است؛ زیرا در این روایات بیان شده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خود و آن چهار ذات پاک را زیر عبایی جمع کرد و فرمود: «اللهم هولاء اهل بیتی؛ خداوند، اینها اهل بیت من هستند»؛ سپس این آیه نازل شد (قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۱۹۳). حتی در برخی روایات بیان شده است که برخی از زنان پیامبر صلی الله علیه و آله درخواست کردند که آنان نیز در زیر عبا قرار گیرند و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مانع این کار شد (قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۱۹۳). بنابراین بر اساس روایات شأن نزول، بدون شک منظور از اهل بیت در آیه، خصوص پنج تن آل‌عباست.

نتیجه

از این سه مقدمه می‌توان نتیجه گرفت که جانشینان پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان امت، تنها اهل بیت او هستند؛ زیرا امام باید معصوم باشد و معصومی جز اهل بیت او در میان امت وجود ندارد؛ پس این آیه دال بر امامت اهل بیت علیهم السلام است. به دیگر بیان، این آیه دال بر امامت بلافصل امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب علیه السلام است؛ زیرا:

الف) به حکم عقل و نقل، امام و جانشین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله باید معصوم باشد؛

ب) طبق آیه تطهیر، تنها معصومان میان امت اسلامی، اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله، یعنی امیرالمؤمنین، فاطمه زهرا، امام حسن و امام حسین علیهم السلام هستند. در این میان، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام زن هستند و مقام امامت به ایشان نمی‌رسد؛ امام حسن و امام حسین علیهم السلام نیز در سنین کودکی بودند؛ پس تنها کسی که طبق این آیه شایستگی امامت جامعه اسلامی بعد از نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله را دارا بود، امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب علیه السلام بوده است.

۲. اشکالات فیصل نور ذیل آیه

آقای فیصل نور در کتاب الامامة و النص، وقتی به آیه تطهیر می‌رسد، هیچ‌گونه اشکال سندی به بحث ندارد؛ چراکه روش او در این کتاب، بیشتر اشکال سندی است و تلاش می‌کند اثبات کند که اعتقادات شیعه بر اساس احادیث شیعه ضعیف است و می‌نویسد:

لا شک فی صحة حدیث الکساء، و انه قد ادخل علیاً و فاطمة و الحسن و الحسین فیه. و حیث أن القصة وردت من طرق صحیحه؛ فإن هذا یغنینا عن الکلام فی اسانید طرقها الاخری، و لكن نتکلم فی دلالتها علی مقصود القوم؛ شکی در صحت حدیث کساء وجود ندارد و اینکه علی، فاطمه، حسن و حسین زیر آن وارد شدند؛ و چون این قصه از طرق صحیحی نقل شده است، ما را از بحث سندی بی‌نیاز می‌کند؛ و تنها بحث در نحوه دلالت آن است و استفاده‌ای که این قوم [شیعه] از آن کرده است (فیصل نور، ۱۴۲۵ق، ص ۴۵۷).

با این مقدمه، وی وارد بحث اشکالات بر نحوه استدلال شیعه می‌شود که در ادامه می‌آید.

۲-۱. «اراده» در آیه، تشریعی است، نه تکوینی

وی در توضیح این اشکال می‌نویسد:

فان ارادته فی هذه الآیات ارادة شرعیة متضمنة لمحبة لذلك المراد و رضاه به؛ و انه شرعة للمؤمنین و امرهم به، و لیس فی ذلك انه خلق هذا المراد فعلا، و لا انه قضاء و لا انه یكون لا محاله.
[آیه] «إِنَّمَا یُرِیدُ اللَّهُ لِیُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ» (احزاب: ۳۳)، درست مانند آیات «ما یریدُ اللَّهُ لِیُجْعَلَ عَلَیْکُمْ مِنْ حَرْجٍ وَ لَکِنْ یرِیدُ لِیُطَهِّرَکُمْ» (مائده: ۶)، «یرِیدُ اللَّهُ بِکُمْ الْیُسْرَ وَ لَا یرِیدُ بِکُمُ الْعُسْرَ» (بقره: ۱۸۵)، «یرِیدُ اللَّهُ لِیُبَیِّنَ لَکُمْ» (نساء: ۲۶) و «یرِیدُ اللَّهُ أَنْ یُخَفِّفَ عَنْکُمْ» (نساء: ۲۸) است] و اراده در همه این موارد، اراده شرعی است که متضمن محبت و رضایت خداوند به آن فعل است و اینکه خداوند آن عمل را برای مؤمنین تشریع کرده و بدان امر نموده است و آیه به معنای خلق و تحقق آن مراد به صورت بالفعل نیست و هرگز دال بر حتمیت و قضا و قدر الهی نیست (فیصل نور، ۱۴۲۵ق، ص ۴۵۸).

سپس برای این مدعای خود دلیل می‌آورد و می‌گوید:

دلیل: پیامبر ﷺ بعد از نزول آیه می‌فرماید: «اللهم هذا اهل بیتی فاذهب عنهم الرجس...». اگر آیه دال بر اراده حتمی خداوند متعال بود، دیگر دعا برای اذهاب رجس از آنان معنا نداشت. پس اراده در اینجا اراده تشریعی است و به هیچ وجه دال بر عصمت و امامت نیست. مؤید دیگر، روایتی است که می‌گوید: بعد از نزول این آیه، نبی فرمود: «اللهم انا و اهل بیتی هولاء الیک لا الی النار» (فیصل نور، ۱۴۲۵ق، ص ۴۵۸). وی سپس بدون اشاره به پاسخ علمای شیعه و نقد آن، به سراغ اشکال دوم می‌رود.

پاسخ

این اشکال از اشکالات قدیمی است که بارها پاسخ داده شده است؛ اما دوباره آن را تکرار می‌کنند. برای مثال، آلوسی در تفسیر روح المعانی (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۱، ص ۱۹۸) آن را مطرح کرده و علامه طباطبائی نیز در

تفسیر المیزان به آن پاسخ داده است (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۶، ص ۳۱۱). بنابراین در پاسخ می‌گوییم: همان‌طور که گذشت، علمای شیعه معتقدند که در آیه، حداقل دو قرینه وجود دارد بر اینکه اراده در اینجا ارادهٔ تکوینی است، نه تشریعی: یکی وجود کلمه «إِنَّمَا» در آیه، که دال بر حصر بود؛ و دوم اینکه آیه برای تکریم و مدح و تجلیل اهل بیت علیهم‌السلام نازل شده است.

همچنین اگر ارادهٔ الهی تشریعی باشد، چه لزومی دارد که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم خود و این چهار نفر را زیر عبا بی گرد آورد و تأکید کند که «اللهم هذا اهل بیتی»؟ این تأکید برای چیست؟ اگر قرار باشد اهل بیت علیهم‌السلام مانند سایر مسلمانان باشند و مأمور به رعایت حدود الهی و هیچ امتیازی بر دیگران نداشته باشند، چرا حضرت تأکید دارند که «خداوند، اینها اهل بیت من هستند و آنها را پاک گردان»؟ چرا حضرت اجازهٔ ورود برخی از زنان خود به زیر عبا را نداد؟ (روایات آن در شبههٔ بعدی به تفصیل خواهد آمد).

اما اینکه رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در مقام دعا فرمودند: «اللَّهُمَّ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي وَحَامَتِي فَأَذْهِبْ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَطَهِّرْهُمْ تَطْهِيراً» (کوفی، ۱۴۱۰ق، ص ۳۳۳) یا اینکه فرمودند: «اللَّهُمَّ أَنَا وَ أَهْلُ بَيْتِي هَؤُلَاءِ، إِلَيْكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ» (طوسی، ۱۴۱۴ق، ۵۵۲) نمی‌تواند قرینه‌ای باشد بر ارادهٔ تشریعی؛ زیرا دعا همیشه پسندیده است و همهٔ انسان‌ها و به‌خصوص پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نباید چیزی را از خود بدانند؛ بلکه باید همه چیز را از خدا بدانند و همیشه دعا کنند که «خداوند، تو خود مراقب ما باش». از همین روست که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در دعا می‌فرماید: «اللَّهُمَّ... لَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ، فَإِنَّكَ إِن تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي كُنْتُ أَقْرَبَ مِنَ الشَّرِّ وَ أَبْعَدَ مِنَ الْخَيْرِ». بدون شک، ایشان به حکم قرآن که می‌فرماید: «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ * إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ» (نجم: ۳-۴)، مورد تأیید و عنایت خداوند متعال است؛ پس چرا اینجا حضرت در مقام دعا می‌فرمایند: «خداوند، مرا به حال خودم وامگذار؛ حتی به اندازهٔ چشم بر هم زدن، که به شر نزدیک و از خیر دور می‌شوم»؟ چون دعا گویای فقر و نیاز همیشگی بنده به مولا است.

۲-۲. همهٔ اصحاب بدر معصوم نیستند

یکی دیگر از اشکالات فیصل نور به این تفسیر علمای شیعه این است که می‌گوید: اگر این تفسیر صحیح باشد، لازم می‌آید همهٔ اصحابی که در جنگ بدر شرکت کردند، معصوم باشند. وی در این باره می‌نویسد: «ولو كانت مفيدة للعصمة فانه ينبغي ان يكون الصحابة لا سيما الحاضرون في غزوة بدر قاطبة معصومون». توضیح مطلب اینکه خداوند متعال دربارهٔ اصحاب بدر می‌فرماید: «ما يريد الله ليُجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ» (مائده: ۶)؛ خدا نمی‌خواهد بر شما تنگی و مشقت قرار دهد؛ بلکه می‌خواهد شما را پاک کند. این فقره از آیه دقیقاً مانند آیهٔ تطهیر است؛ لذا اگر آنجا معنای طهارت عصمت است، اینجا نیز باید همان معنا را داشته باشد؛ لذا باید گفت که تمام اصحاب پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، به‌خصوص اصحاب بدر، معصوم‌اند (فیصل نور، ۱۴۲۵ق، ص ۴۵۸).

پاسخ

این اشکال نیز تکراری است و در کتاب روح المعانی (الوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۱، ص ۱۹۸) نقل شده است. لذا در پاسخ می‌گوییم: اولاً این آیه دربارهٔ اصحاب بدر نیست؛ بلکه دربارهٔ تشریع حکم وضو، غسل و تیمم نازل شده است و ربطی به عصمت ندارد. در تفسیر روح المعانی نیز که همین شبهه مطرح شده است، مؤلف در بیان شأن نزول آیه هیچ اشاره‌ای به جنگ بدر نمی‌کند و تنها به بیان حکم وضو و نحوهٔ آن می‌پردازد و در ابتدای مطلب می‌نویسد: «شروع فی بیان الشرائع المتعلقة بدینهم بعد بیان ما يتعلق بدنیاهم؛ آیه، شریعت متعلق به دین مسلمانان را بیان می‌کند؛ چنان‌که احکام متعلق به دنیای آنها را بیان کرده بود» (الوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۲۴۱). فخر رازی نیز در تفسیر خود بدون اشاره به جنگ بدر می‌گوید: سورة مائدة ابتدا با بیان عده و تعهد دنیایی شروع می‌شود و در ادامه به تعهد آخرتی می‌پردازد که نماز باشد و با شرایط وضو شروع می‌کند (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۱، ص ۲۹۶). بنابراین در این آیه، خداوند متعال می‌فرماید: این احکام برای طهارت است، نه برای سختی و اذیت کردن شما؛ و کاملاً روشن است که اراده در این آیه، تشریعی است.

بنابراین آیه تطهیر و این آیه مشابه نیستند. آیه تطهیر هیچ حکم فقهی و تشریع جدیدی را بیان نمی‌کند و می‌فرماید: خداوند اهل بیت را تطهیر می‌کند؛ اما در این آیه، خداوند حکم جدید نازل کرده و احکام وضو و غسل و تیمم را بیان کرده است؛ سپس در ادامه می‌فرماید: این احکام برای عسر و حرج شما نیست؛ بلکه برای پاکی و طهارت شماست و کاملاً مشخص است که ناظر به ارادهٔ تشریعی است.

ثانیاً علمای شیعه عصمت اهل بیت علیهم‌السلام را از کلمهٔ «الرجس» و الف و لام آن - که الف و لام جنس است - استنباط کرده‌اند و در آیه ۶ سورة مائدة کلمهٔ «رجس» بیان نشده و تنها بیان شده است که خداوند می‌خواهد شما طاهر باشید و نکتهٔ خاصی ندارد و حالت امتنان و بیان فضیلت هم نیست.

ثالثاً در آیه تطهیر، کلمهٔ «إنما» آمده که بر اختصاص حکم به اهل بیت علیهم‌السلام دلالت دارد و بیان‌کنندهٔ فضیلتی از فضایل آنان است؛ لذا شیعه معتقد است که اگر گویای عصمت اهل بیت علیهم‌السلام نباشد، لغو خواهد بود و امتنانی ندارد.

۳-۲. بدون شک زنان پیامبر علیهم‌السلام داخل در آیه و از اهل بیت هستند

وی در توضیح این اشکال می‌نویسد: «و مما يدل على أن الآية ليست دالة على العصمة و الامامة: ان الخطاب فی الآيات كله لازواج النبی حیث بدأ بهن و ختم بهن»؛ سپس آیات را ذکر می‌کند و درنهایت می‌گوید: «پس مورد خطاب در تمام این آیات، همسران پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بوده و امر و نهی و وعده و وعید الهی دربارهٔ آنان است» (فیصل نور، ۱۴۲۵ق، ص ۴۵۹). بر این اساس، از آیه عصمت فهمیده نمی‌شود؛ چون همهٔ زنان پیامبر علیهم‌السلام معصوم نبوده‌اند.

سؤال: پس چرا به این فقره که می‌رسد، ضمیر آن از «کُنْ» که برای جمع مؤنث است، به «کم» که برای جمع مذکر است، تغییر کرده؟ وی در پاسخ می‌گوید: از آنجاکه منفعت موجود در این قسمت از آیه شامل همهٔ مسلمین،

حتی آقایان نیز می‌شود و در جمع بین مذکر و مؤنث، مذکر غلبه دارد، ضمیر تغییر کرده است و پیامبر ﷺ نیز از همین رو فاطمه، علی و حسن و حسین را نیز مشمول آیه می‌داند و برای آنها به صورت اختصاصی دعا می‌کند (فیصل نور، ۱۴۲۵ق، ص ۴۵۹). سپس می‌گوید: مؤید این نظر این است که در برخی روایات شیعه آمده است: «اللهم إِنْ هَؤُلَاءِ أَحَقُّ» (بحرانی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۴۶۳). کلمه «أحق» به این معناست که همه مسلمان مشمول آیه می‌شوند؛ اما این پنج نفر در رعایت تقوا اولویت دارند.

نکته دومی که وی بدان اشاره می‌کند، این است که بدون شک همسر انسان جزئی از اهل بیت اوست و برای این مطلب چند شاهد قرآنی ذکر می‌کند؛ برای مثال، قرآن کریم درباره ساره، زن حضرت ابراهیم ﷺ، می‌فرماید: «قَالُوا اتَّعَجِبِينَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ رَحِمَتُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ» (هود: ۷۳)؛ گفتند: آیا از کار خدا شگفتی می‌کنی؟ رحمت خدا و برکاتش بر شما خانواده است. در این آیه، کلمه «اهل بیت» به کار رفته است. همچنین قرآن درباره حضرت موسی ﷺ می‌فرماید: «فَلَمَّا قَضَىٰ مُوسَى الْأَجَلَ وَسَارَ بِأَهْلِهِ آنَسَ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ نَارًا قَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا» (قصص: ۲۹)؛ چون موسی آن مدت را به پایان برد و با خانواده‌اش رهسپار [مصر] شد، از جانب طور آتشی دید. به خانواده‌اش گفت: درنگ کنید که من آتشی دیدم. در این آیه نیز دو بار «اهل» به کار رفته و در هر دو بار، منظور همسر حضرت موسی ﷺ است (فیصل نور، ۱۴۲۵ق، ص ۴۶۰).

پاسخ

این اشکال نیز از اشکالات بسیار قدیمی اهل سنت است که در غالب کتب تفسیری آنان بیان شده (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۴، ص ۱۸۳؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۵، ص ۱۶۸؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۱، ص ۱۹۴) و علمای شیعه نیز همیشه پاسخ داده‌اند (علم‌الهدی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۱۳۴؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۵۵۹). بنابراین در پاسخ می‌گوییم:

بدون شک کلمه «اهل بیت»، هم در لغت و هم در میان مردم و هم در اصطلاح قرآنی، شامل همسر انسان می‌شود و سخن ایشان درست است که در موارد مشابه در قرآن و در لغت و استفاده عامیانه، همسر داخل در «اهل بیت» است؛ اما سخن در این است که آیا در این آیه نیز همان معنا اراده شده است یا شواهد و قرائنی وجود دارد که معنای دیگری مد نظر است. علمای شیعه معتقدند که با توجه به قرائن موجود در آیه و شأن نزول آن، منظور از «اهل بیت» افراد خاصی است و زنان پیامبر ﷺ و دیگران را شامل نمی‌شود. این قرائن عبارت‌اند از:

۱. تغییر ضمیر از «کُنْ» به «کَمْ»: اگر سیاق آیات همان است، این تغییر ضمیر هیچ توجیهی ندارد و خلاف فصاحت و بلاغت است. بنابراین تغییر ضمیر نشان می‌دهد که این فقره از آیه با بقیه فقرات فرق دارد و نمی‌توان گفت که مربوط به همسران پیامبر ﷺ است.

۲. در این فقره، کلمه «إِنَّمَا» به کار رفته، که حاکی از اختصاص این حکم به اهل بیت است (علم‌الهدی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۱۳۴)؛ بنابراین سخن فیصل نور مبنی بر همگانی بودن حکم، صحیح نیست.

۳. احادیث بسیاری در منابع شیعه و اهل سنت هست که بیان می‌کنند در هنگام نزول آیه و جمع شدن اهل کساء زیر آن، پیامبر ﷺ برخی از زنان خود را از ورود به زیر آن عبا منع کردند. برای مثال، نقل شده است که «ام‌سلمه» از حضرت درخواست کرد به آنها ملحق شود و زیر عبا قرار گیرد؛ اما حضرت مانع این کار شد و او را فقط «خیر» خوانده است. حتی نقل شده است که ام‌سلمه می‌گوید: یک بار عبا را بالا بردم تا در زیر آن و کنار آنان قرار گیرم؛ ولی پیامبر ﷺ عبا را از دستم کشید و فرمود: «إنک علی خیر» (طبری، بی‌تا، ج ۲۲، ص ۱۱-۱۳؛ سیوطی، ۱۴۲۱ق، ج ۶ ص ۵۳۲-۵۳۳؛ واحدی، ۱۴۱۱ق، ص ۳۶۹؛ شبیانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۸، ص ۳۱۴). در صحیح مسلم نیز نقل شده است که عایشه می‌گوید: پیامبر، علی، فاطمه، حسن و حسین ﷺ را زیر عبایی جمع کرد و فرمود: خداوند، اینها اهل بیت من هستند (القشیری النیسابوری، ۱۴۱۰ق، ج ۴، ص ۱۸۸۳).

۴. پیامبر اکرم ﷺ پس از آنکه امیرالمؤمنین، فاطمه زهرا و امام حسن و امام حسین ﷺ را زیر عبا قرار داد، دست خود را بالا برد و فرمود: «اللهم هؤلاء اهل بیتی»؛ سپس در حق آنان دعا کرد (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۱، ص ۱۹۸). به راستی دلیل این اختصاص چیست؟ چرا پیامبر ﷺ فقط این افراد را اهل بیت خود می‌خواند؟ بنابراین، مقصود از اهل بیت، معنای خاص آن است؛ معنایی که اذهاب مطلق رجس و طهارت خاص، از ویژگی‌های آن به‌شمار می‌رود و فضیلت ویژه‌ای را دربردارد؛ به گونه‌ای که ام‌سلمه بسیار مشتاق بود مشمول آن شود؛ چنان‌که ابوجعفر طحاوی می‌گوید: «ان المراد بما فی هذه الآیة هم رسول الله و علی و فاطمة و حسن و حسین» (طحاوی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۳۲).

۵. در احادیث بسیاری آمده است که پیامبر ﷺ پس از نزول آیه تطهیر، به مدت طولانی هرگاه می‌خواست برای نماز به مسجد برود، مقابل خانه امیرالمؤمنین ﷺ می‌ایستاد و آنان را اهل بیت خود خطاب می‌کرد؛ سپس آیه تطهیر را تلاوت می‌فرمود. انس بن مالک این مدت را شش ماه، ابوالحمرء هفت یا هشت ماه و ابن عباس نه ماه نقل کرده‌اند (طبری، بی‌تا، ج ۲۲، ص ۱۱؛ سیوطی، ۱۴۲۱ق، ج ۶ ص ۵۳۳-۵۳۴)؛ اما حتی یک بار هم نقل نشده است که پیامبر ﷺ این کار را در مورد همسران خود انجام داده باشد. این رفتار حضرت دلیل روشنی بر اختصاص آیه تطهیر به اهل کساء است.

بر این اساس، شیعه معتقد است که بی‌تردید این قسمت از آیه در شأن پنج تن آل عبا بوده است و منظور از اهل بیت، این پنج نفرند و با توجه به روایات شأن نزول که بیان می‌کنند پیامبر اکرم ﷺ به همسران خود اجازه ورود به زیر عبا را ندادند، قطعاً همسران پیامبر ﷺ داخل در اهل بیت مورد خطاب در این آیه نیستند و توجیهات علمای اهل سنت پذیرفته نیست.

۲-۴. حضرت زهرا علیها السلام قطعاً امام نیست

وی در این اشکال بیان می‌کند که طبق نظر علمای شیعه، این آیه مربوط به پنج تن آل عباست و اگر این سخن درست باشد، فاطمه زهرا علیها السلام هم داخل در حکم است و باید امام باشد؛ درحالی‌که امامت به زنان نمی‌رسد: «ان ما

اختص به الامیر و السبطان من الآیة - بزعم القوم - ثبت للزهراء و خصائص الامامة لا تثبت للنساء» (فیصل نور، ۱۴۲۵ق، ص ۴۶۱)؛ سپس نتیجه می‌گیرد که کل استدلال غلط است و آیه بیان‌کننده عصمت نیست.

پاسخ

آقای فیصل نور گمان کرده است که شیعه معتقد است، هر کس معصوم باشد، قطعاً امام است؛ درحالی که این تلقی او اشتباه است. شیعه معتقد است که شرط لازم برای تحقق امامت، «عصمت» است؛ اما علت تامه نیست که اگر کسی معصوم باشد، حتماً امام نیز باشد؛ بلکه می‌توان تصور کرد که شخصی معصوم باشد، ولی امام نباشد. از این رو عصمت حضرت زهرا^{علیها السلام} با استفاده از این آیه اثبات می‌شود؛ اما امامت او نیاز به شرایط دیگری هم دارد که در این آیه بیان نشده و است نمی‌توان از عصمت، امامت را نتیجه گرفت. بی‌تردید حضرت زهرا^{علیها السلام} حجت خداست و دارای مقام بسیار بلندی است؛ اما بحث امامت جامعه اسلامی و تدبیر امور سیاسی جامعه شرایطی دارد که از عهده زنان خارج است؛ از همین رو ایشان امام نیستند.

۲-۵. عدم شمول آیه بر بقیة ائمه

وی در این باره می‌نویسد: «و منها خروج تسعة من الاثمة لعدم شمول الآیه لهم؛ حیث اختصت الآیه بثلاثة منهم»؛ یعنی اگر هم استدلال شیعه صحیح باشد، تنها سه امام آنها را دربرمی‌گیرد و دیگر امامان آنها از مدلول آیه خارج‌اند (فیصل نور، ۱۴۲۵ق، ص ۴۶۱).

پاسخ

حصر موجود در آیه، تنها برای بیان این نکته است که در حال حاضر و در بین موجودین، فقط این پنج نفر معصوم‌اند؛ اما در مورد گذشته و آینده ساکت است؛ زیرا بدون شک انبیای بزرگ الهی که قبل از پیامبر اکرم^{صلی الله علیه و آله} می‌زیسته‌اند، معصوم بوده‌اند. حتی قرآن کریم حضرت مریم^{علیها السلام} را نیز معصوم می‌داند (آل عمران: ۴۲). بنابراین این آیه درباره گذشته و آینده صحبتی ندارد و انحصاری که در آن وجود دارد، مختص به حاضرین است. از این رو نمی‌توان گفت که بر اساس این آیه، دیگر معصومی بر روی زمین نخواهد آمد. بنابراین آیه تطهیر تنها بیان می‌کند که در زمان حاضر فقط این پنج نفر معصوم‌اند که آخرین آنان امام حسین^{علیه السلام} بوده است. حال اگر ایشان به شخص دیگری وصیت کند و او را امام و معصوم بداند، به حکم اینکه امام حسین^{علیه السلام} معصوم است و دروغ نمی‌گوید و خطایی ندارد، از او می‌پذیریم که شخص معرفی‌شده، معصوم و امام بعدی است.

اگر به کتب روایی شیعه نگاه کنیم، خواهیم دید که هر امامی به امام بعدی وصیت کرده و او را امام و رهبر شیعیان معرفی نموده است (ر.ک: الکافی، کتاب الحجة، باب اشاره و نص بر ائمة اطهار). بر این اساس است که شیعیان امام

بعدی خود را شناخته‌اند. البته در برخی موارد، چون ترس از جان امام بعدی وجود داشته است، این کار مخفیانه و تنها برای عده‌ای خاص از شیعیان صورت گرفته و همین امر موجب بروز اختلاف در بین برخی شیعیان بوده است.

۴-۶. عصمت ائمه از بدو تولد

اشکال بعدی فیصل نور این است که آیه تطهیر، اذهاب رجس و تطهیر را بعد از نزول آیه بیان می‌کند؛ ولی شیعه معتقد است که آنان از بدو تولد معصوم‌اند: «أن اذهاب الرجس لا يكون الا بعد ثبوته، و الشيعة يقولون بعصمة الائمة منذ ولادتهم الى وفاتهم» (فیصل نور، ۱۴۲۵ق، ص ۴۶۱). طبق این آیه، اهل بیت ابتدا رجسی مرتکب شده‌اند و آیه از برطرف شدن آن صحبت می‌کند و این مطلب با اعتقاد شیعه مبنی بر عصمت آنان از بدو تولد منافات دارد.

پاسخ

این اشکال نیز در کتاب روح المعانی وجود دارد و قبل از فیصل نور، آلوسی آن را مطرح کرده است (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۱۹۸). در پاسخ، نگارنده معتقد است که خداوند متعال به زیبایی در آیه از کلمه «یذهب» استفاده کرده که فعل مضارع است و معنای آیه چنین است: خداوند اراده کرده است که از شما اهل بیت هرگونه رجس را پاک کند. در این بیان، زمان دخالت ندارد؛ لذا نمی‌توان گفت که منظور خداوند متعال این است که از این زمان رجس را از شما پاک کردم؛ یعنی قبلاً در شما رجس بوده یا احتمال آن وجود داشته است و از الآن آن را پاک کردم؛ چراکه موارد زیادی از آیات قرآن وجود دارد که خداوند از فعل مضارع استفاده کرده و منظورش تمام زمان‌هاست و گذشته و حال آینده را دربرمی‌گیرد؛ مانند آیه «وَاللَّهُ يُرِيدُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْكُمْ» (نساء: ۲۷)؛ خداوند خواسته است که شما را مورد رحمت و توبه خود قرار دهد. آیا این آیه به این معناست که قبل از آن خدا نخواسته است که شما مورد رحمت قرار گیرید؟ همچنین فرموده است: «يُرِيدُ اللَّهُ لِيُبينَ لَكُمْ وَيَهْدِيَكُمْ سُنَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ» (نساء: ۲۶)؛ اراده خداوند به این تعلق گرفته است که حقیقت را برای شما بیان کند و به روش پیشینیان راهنمایی کند. آیا منظور این است که قبل از نزول آیه، خداوند شما را راهنمایی نکرده است؟ همچنین در آیه‌ای دیگر فرموده است: «اللَّهُ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ وَ يَمْدَهُمْ فِي طَغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ» (بقره: ۱۵)؛ خداوند استهزای منافقان را پاسخ داده، آنان را درحالی که در حیرت و گمراهی‌اند، مهلت می‌دهد. آیا این آیه هم به این معناست که خداوند قبل از این با منافقین برخوردی نداشته است؟ همچنین فرموده است: «وَمَا اللَّهُ يُرِيدُ ظُلْمًا لِّلْعَالَمِينَ» (آل عمران: ۱۰۸)؛ خداوند ستم کردن به جهانیان را اراده نکرده است. آیا این آیه به این معناست که خداوند متعال قبل از این آیه - نعوذ بالله - ظالم بوده است؟ فعل مضارع در آیات یادشده و مشابه آنها، بیانگر قانون کلی است که زمان گذشته، حال و آینده را دربرمی‌گیرد. از این رو می‌گوییم: در آیه تطهیر نیز که از فعل مضارع استفاده می‌کند، اراده الهی زمان ندارد و گذشته و حال و آینده را دربرمی‌گیرد و اثبات می‌کند که از بدو تولد و از زمان نشست گرفتن اهل بیت علیهم السلام در همه عوالم، آنان از رجس و پلیدی مصون بوده و خواهند بود.

۲-۷. دخول برخی افراد در اهل بیت (مهم ترین اشکال)

فیصل نور در ادامه بحث می گوید: اینکه منظور از اهل بیت تنها پنج تن آل عبا باشد، غریب ترین و بدترین تفسیر است و به هیچ وجه صحیح نیست؛ و اینکه پیامبر ﷺ یک عبايي را بر روی آنان کشیده و فرموده است: «خدایا، اینها اهل بیت من هستند»، دلیلی بر این تخصیص محسوب نمی شود. حتی در برخی روایات خود شیعه نیز نقل شده است که افرادی مانند ام سلمه و واثقه بن اسقع نیز زیر عبا قرار گرفته اند؛ و این بدین معناست که سخن شیعه در تخصیص اهل بیت به پنج تن آل عبا صحیح نیست (فیصل نور، ۱۴۲۵ق، ص ۴۶۳).

پاسخ

این اشکال نیز در کتاب روح المعانی وجود دارد و قبل از فیصل نور، آلوسی آن را مطرح کرده است (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۱، ص ۱۹۶). در پاسخ، نگارنده معتقد است: اولاً دلیل تخصیص اهل بیت به پنج تن آل عبا، دقیقاً همین رفتار پیامبر اکرم ﷺ است؛ زیرا اگر هدف حضرت شناساندن اهل بیت به مردم نبود، دلیلی برای این رفتار حضرت وجود نداشت. چرا باید ایشان خود، علی، فاطمه، حسن و حسین ﷺ را زیر عبايي جمع کند و بفرماید: «خداوند اینها اهل بیت من هستند»؟ اگر اختصاص ندارد، این عمل پیامبر عظیم الشان اسلام ﷺ لغو و بیهوده خواهد بود. همچنین در بیشتر روایات این باب نقل شده است که حضرت هیچ یک از زنان خود را زیر عبا راه نداد. آیا این رفتار پیامبر اکرم ﷺ بیهوده بوده و دلیلی بر تخصیص نیست؟

البته این سخن تنها به شیعه اختصاص ندارد و حتی برخی علمای منصف اهل سنت نیز معتقدند که اهل بیت در آیه، تنها پنج تن آل عبا هستند؛ از باب مثال، تقی الدین مقریزی نقل می کند: ابی منصور ابن عساکر شافعی بعد از نقل روایات ام سلمه [حدیث کساء] می گوید: این حدیث صحیح است و این آیه تنها درباره این پنج تن نازل شده است. ابن بلبان نیز در کتاب ترتیب صحیح ابن حبان می گوید: این چهار نفری که آنها را نام بردیم [علی، فاطمه، حسن و حسین ﷺ] اهل بیت مصطفی هستند (مقریزی، ۱۹۷۲م، ج ۱، ص ۷۹). ابن صباغ مالکی نیز بیان می کند: اهل بیت بر اساس حدیث ام سلمه، نبی، علی، فاطمه، حسن و حسین ﷺ هستند (ابن صباغ مالکی، ۱۴۲۲ق، ص ۷۶). حاکم نیشابوری نیز می گوید: آل و اهل بیت تنها آنها هستند [پنج تن آل عبا] (نیشابوری، بی تا، ج ۳، ص ۱۴۸). گنجی شافعی نیز می گوید: صحیح آن است که بگوییم اهل بیت علی، فاطمه و حسین هستند (گنجی شافعی، ۱۴۱۳ق، ص ۵۴). سلیمان قندوزی حنفی نیز می گوید: اکثر مفسرین بر این عقیده اند که آیه درباره علی، فاطمه، حسن و حسین نازل شده؛ چون ضمیر مذكر شده است (قندوزی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۳۴۹). محب الدین طبری نیز می گوید: فاطمه، حسن و حسین همان اهل بیتی هستند که در آیه تطهیر مورد اشاره هستند (طبری، ۱۴۱۸ق، ج ۴، ص ۱۳۰). ابوجعفر طحاوی مصری (طحاوی، بی تا، ج ۱، ص ۳۳۲-۳۳۹) و شیخ مؤمن شبلنجی شافعی (شبلنجی، بی تا، ص ۲۲۳-۲۲۶) نیز آیه تطهیر را مخصوص اصحاب کساء دانسته اند.

ثانیاً احادیثی که بیان می‌کنند پیامبر اکرم علیه السلام به ام‌سلمه یا واثله اجازه داد که زیر عبا قرار گیرند یا جزئی از اهل بیت باشند، اگر صحیح باشند و در یک مجلس بوده باشد، با احادیثی که در بالا اشاره شد و گویای این مطلب بود که پیامبر صلی الله علیه و آله آنها را از آمدن به زیر عبا منع کرد، در تعارض قرار خواهند گرفت و بدون شک آن دسته از روایات که دلالت بر منع داشتند، بیشتر و صحیح‌تر است و در هنگام تعارض بین دو روایت، هم سند بررسی می‌شود، هم تعداد روات. اگر هم در دو مجلس بوده و بعد از نزول آیه و با اصرار خود آنان، روایات قابل جمع هستند و بدین شکل می‌توان جمع کرد: آنجا که مورد نزول آیه است و اهل بیت مد نظر بوده، پیامبر صلی الله علیه و آله به آنان اجازه ورود نداده تا مصداق حقیقی اهل بیت مشخص شود و زمانی که اهل بیت مشخص شد و برای مردم تبیین گردید، آن‌گاه به آنان اجازه ورود داده و فرموده است که شما از اهل من هستید. بنابراین اشکالی ندارد که کسی جزء اهل بیت به معنای عام آن باشد؛ اما به معنای خاص آن، که در آیه مدنظر است، نباشد. همسران پیامبر صلی الله علیه و آله یا خادم آن حضرت نیز در معنای عام اهل بیت قرار می‌گیرند؛ اما در معنای خاص آن، که شأن نزول آیه است، قرار ندارند.

مؤید این سخن، این است که واثله بن اسقع می‌گوید: به پیامبر صلی الله علیه و آله گفتیم: آیا من از اهل تو می‌باشم؟ پیامبر صلی الله علیه و آله پاسخ داد: «وَأَنْتَ مِنْ أَهْلِی» (طبری، بی‌تا، ج ۲۲، ص ۱۲). در این روایت آمده، واثله از اهل پیامبر صلی الله علیه و آله است، نه از اهل بیت او. در حدیث ام‌سلمه نیز آمده است که پاسخ مثبت پیامبر صلی الله علیه و آله به ام‌سلمه و اجازه دادن به او برای داخل شدن در کساء، پس از اتمام دعای پیامبر صلی الله علیه و آله در حق اهل بیت خود بود. بنابراین، مفاد این حدیث آن است که ام‌سلمه از آن نظر که همسر پیامبر صلی الله علیه و آله است، اهل اوست؛ ولی در زمره اهل بیت خاص او، که آیه تطهیر در شأن آنان نازل شده است، نیست (طحاوی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۳۳). گواه این مطلب آن است که وقتی ام‌سلمه می‌پرسد: «آیا من از اهل بیت نیستم؟»، پیامبر صلی الله علیه و آله به او پاسخ مثبت نمی‌دهد؛ ولی آنجا که می‌پرسد: «آیا من از اهل تو نیستم؟»، پیامبر صلی الله علیه و آله به او پاسخ مثبت می‌دهد. حتی ام‌سلمه می‌گوید: از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسیدم: آیا من از اهل بیت هستم؟ من دوست داشتم که پیامبر صلی الله علیه و آله به این سؤال من پاسخ مثبت بدهد. این پاسخ از همه آنچه در شرق و غرب جهان است، بهتر بود (طحاوی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۳۳).

حاصل سخن آنکه می‌توان بین این دو دسته از روایات بدین شکل جمع کرد: دسته اول که درباره اختصاص سخن گفته، مربوط به زمانی است که آیه نازل شده و حضرت مأمور است مصداق اهل بیت را که دارای ملکه عصمت‌اند و بافضیلت‌ترین افرادند، در آیه مشخص کند؛ اما دسته دوم که پیامبر به آن دو اجازه ورود داده و آنها را اهل خود نامیده، مربوط به زمان دیگری و بعد از تعیین مصداق اهل بیت بوده است.

نتیجه‌گیری

شیعه برای اثبات امامت ائمه اطهار علیهم السلام به آیه تطهیر استناد کرده است؛ بدین شکل که مدلول آیه این است که اهل بیت معصوم‌اند و عقل می‌گوید که امام باید معصوم باشد؛ پس امام باید از اهل بیت باشد و تنها شخصی از اهل بیت که

صلاحیت امامت را دارا بود، امیرالمؤمنین علیه السلام است. علمای اهل سنت، به‌خصوص فیصل نور، اشکالاتی بر این استدلال وارد کرده است که همه آنها پاسخ داده شد. اشکال اول: اراده در آیه، تکوینی نیست؛ که گفته شد دو قرینه حصر و تجلیل از اهل بیت، دال بر اراده تکوینی است؛ اشکال دوم: همه اصحاب معصوم خواهند شد؛ در پاسخ گفته شد که اولاً آیه مربوطه درباره اصحاب بدر نیست؛ ثانیاً لسان دو آیه با هم متفاوت است؛ اشکال سوم: زنان پیامبر علیهم السلام داخل در آیه‌اند؛ در پاسخ گفته شد که با توجه به روایات شأن نزول، زنان پیامبر علیهم السلام داخل در اهل بیت نیستند. اشکال چهارم: حضرت زهرا علیها السلام امام نیست؛ در پاسخ گفته شد که وجود «عصمت» به معنای امام بودن نیست و امامت شرایط دیگری هم لازم دارد؛ اشکال پنجم: آیه بقیه ائمه شیعه را دربر نمی‌گیرد؛ در پاسخ گفته شد که هر امامی امام بعد از خود را تعیین می‌کند؛ اشکال ششم: آیه، عصمت ائمه را از زمان نزول بیان می‌کند؛ در پاسخ گفته شد که آیه زمان ندارد و همه زمان‌ها را دربر می‌گیرد؛ اشکال هفتم: برخی از افراد بعداً زیر عبا رفتند و داخل در اهل بیت شدند؛ در پاسخ گفته شد که شیعه خصوص اهل بیت در آیه را بیان می‌کند، نه اهل بیت به معنای عام آن را؛ آن افراد بعداً مشمول اهل بیت قرار گرفتند، نه موقع نزول آیه. بدین ترتیب، همه اشکالات آقای فیصل نور در کتاب *الامامة والنص* ذیل آیه تطهیر پاسخ داده شد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

قرآن کریم.

- آلوسی، محمود بن عبدالله (۱۴۱۵ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی. بیروت: دار الکتب العلمیة. منشورات محمد علی بیضون.
- ابراهیم مصطفی و دیگران (بی تا). المعجم الوسیط. استانبول: المکتبة الاسلامیة.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۲). الخصال. قم: جامعۀ مدرسین.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۵). علل الشرائع. قم: کتابفروشی داورى.
- ابن صباغ مالکی، علی بن محمد (۱۴۲۲ق). الفصول المهمة فی معرفة الأئمة. قم: دار الحديث.
- ابن فارس، ابوالحسن احمد (۱۴۱۸ق). معجم مقاییس اللغة. بیروت: دار الفکر.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۲۰۰۰م). لسان العرب. بیروت: دار صادر.
- بحرانی، سیدهاشم بن سلیمان (۱۴۲۲ق). غایة المرام و حجة الخصام. بیروت: مؤسسة التاريخ العربی.
- بحرانی، سیدهاشم بن سلیمان (۱۳۷۴). البرهان فی تفسیر القرآن. قم: مؤسسۀ بعثه.
- تفتازانی، سعدالدین (۱۳۷۴). المطول. تهران: مکتبة العلمیة الاسلامیة.
- حلی، حسن بن یوسف (۱۹۸۲م). نهج الحق و كشف الصدق. بیروت: دار الكتاب اللبنانی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). مفردات ألفاظ القرآن. بیروت: دار الشامیة.
- ربانی گلپایگانی، علی (۱۴۰۰). امامت در بینش اسلامی. قم: بوستان کتاب.
- سیوطی، جلال الدین (۱۴۲۱ق). الدر المنثور. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- شبلنجی، شیخ مؤمن (بی تا). نور الأبصار. قم: منشورات شریف رضی.
- شرتونی، سعید افخوری (۱۴۰۳ق). اقرب الموارد. قم: مکتبة المرعشی.
- شوشتری، نورالله بن شریف الدین (۱۴۰۹ق). إحقاق الحق و إزهاق الباطل. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- شیبانی، ابو عبدالله احمد بن حنبل (۱۴۱۲ق). مسند حنبل. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۳۹۰ق). المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: ناصر خسرو.
- طبری، محب الدین (۱۴۱۸ق). الریاض النضرة. بیروت: دار المعرفة.
- طبری، محمد بن جریر (بی تا). تفسیر طبری. ضبط و تعلیق: محمود شاکر. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- طحاوی، ابوجعفر (بی تا). مشکل الآثار. بیروت: دار صادر.
- طوسی، محمد بن محمد (۱۴۱۶ق). قواعد العقائد. قم: مرکز مدیریت.
- طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۰۹ق). التبیان فی تفسیر القرآن. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۴ق). الأمالی. قم: دار الثقافة.
- علم الهدی، علی بن حسین (۱۴۰۷ق). الشافی فی الإمامة. تهران: مؤسسة الصادق.
- علم الهدی، علی بن حسین (۱۴۳۱ق). تفسیر الشریف المرتضی. بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- فاضل موحیدی لنکرانی، محمد (۱۴۲۴ق). آیة التطهیر. قم: مرکز فقه الأئمة الأطهار.

- فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق). التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب). بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- فیصل نور (۱۴۲۵ق). الامامة والنص. تحقیق: سعد بن عبدالله الحمید و عثمان بن محمد الخمیس. صنعاء: دار الصدیق.
- فیومی، احمد بن محمد (۱۴۱۴ق). المصباح المنیر. قم: مؤسسه دار الهجرة.
- قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴). الجامع لأحكام القرآن. تهران: ناصر خسرو.
- القشیری النیسابوری، أبو الحسن مسلم بن الحجاج (بی تا). المسند الصحیح المختصر. محقق: محمد فؤاد عبدالباقی. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ق). تفسیر القمی. قم: دار الکتب.
- قندوزی، سلیمان بن ابراهیم (۱۴۱۸ق). ینابیع المودة لنوی القربی. بیروت: مؤسسه الأعلمی.
- کمال وان، عبدالأمیر (۱۴۲۸ق). من هم أهل البيت علیهم السلام فی آیه التطهیر. قم: مجمع جهانی اهل بیت (ع).
- کوفی، فرات بن ابراهیم (۱۴۱۰ق). تفسیر فرات الکوفی. تهران: مؤسسه الطبع و النشر فی وزارة الإرشاد الإسلامی.
- گنجی شافعی، محمد بن یوسف (۱۴۱۳ق). کفایة الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب. تحقیق: محمدهادی امینی. بیروت: شرکت الکتبی.
- مفید، محمد بن محمد (۱۳۷۱). تصحیح اعتقادات الإمامیه. قم: المؤتمر العالمی لأفیه الشیخ المفید.
- مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۴ق). سلسله مؤلفات الشیخ المفید. بیروت: دار المفید.
- مقریزی، تقی الدین أحمد (۱۹۷۲م). فضل آل البيت (ع). تحقیق: دکتر محمد عاشور. مصر: دار الاعتصام.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱). تفسیر نمونه. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- نیشابوری، محمد بن عبدالله (بی تا). المستدرک علی الصحیحین. بیروت: دار المعرفه.
- واحدی، علی بن احمد (۱۴۱۱ق). اسباب نزول القرآن. بیروت: دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.